

273-62

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 273

Date of filing: 19/8/91

\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_  
- Date of Award \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of Mr Holtzman  
- Date 5 OCT 1990  
\_\_\_\_\_ pages in English 18 pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

SEPARATE OPINION

Case No. 273

Chamber One

پرونده شماره ۲۷۳

شعبه یک

حکم شماره ۱-۲۷۳-۴۹۰

DUPLICATE  
ORIGINAL

نسخه برابر اصل

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	19 AUG 1991
	۱۳۷۰ / ۵ / ۲۸
	تاریخ

رضا و شهناز مهاجر - شجاعی ،

خواهانهها ،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،

خواننده.

English version	
Filed on	<del>5 OCT 1990</del>
	نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۳ / ۲ / ۱۳۶۹
	ثبت شده است.

نظر جداگانه هوارد ام. هولتزمن

موافق با بخشی و مخالف با بخشی دیگر از حکم

پیشگفتار :

- ۱ - در حکم صادره در پرونده حاضر نظر داده شده است که دیوان صلاحیت رسیدگی به دعاوی آقای رضا مهاجر - شجاعی و همسرش خانم شهناز مهاجر - شجاعی را ندارد.
- ۲ - اینجانب با تصمیم دیوان درباره خانم مهاجر - شجاعی مخالفم زیرا بنظر من مدارک

تسلیمی، در صورتی که با ضوابط اثبات [تابعیت] که دیوان در سایر پرونده‌های اتباع مضاعف تعیین کرده است سنجیده شود، کافی است که ثابت کند که تابعیت غالب و موثر وی در تمام اوقات ذریبطه امریکایی بوده و در نتیجه دیوان دارای صلاحیت رسیدگی به دعوی وی می‌باشد.

۳ - از سوی دیگر، اعتقاد دارم که دیوان در اعلام عدم صلاحیت خود نسبت به دعوی آقای مهاجر - شجاعی صحیح عمل کرده است زیرا وی نتوانست ثابت کند که تاریخ کسب تابعیت امریکایی وی قبل از تاریخ ادعائی بروز دعوا و نیز قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بوده است. (۱)

۴ - پرونده حاضر حاوی واقعیات نسبتاً ساده‌ای است و هیچ موضوع جدید حقوقی در بر ندارد، اما از آن جهت حائز اهمیت است که حکم مربوط به آن، در زمانی صادر می‌شود که دیوان قبل از آن ۱۹ حکم و قرار اعدادی (۲) در پرونده‌های موسوم به "تابعیت مضاعف" صادر کرده است. بنابراین امکان دارد و بجاست که با استفاده از این فرصت، احکام مزبور بررسی شود و رویه‌های تکوین یافته دیوان، حداقل تا آنجا

---

۱ - طبق مفاد بند ۲ ماده هفت بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر درباره حل و فصل ادعاها توسط دولت ایالات متحده امریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران ("بیانیه حل و فصل دعاوی")، دیوان داوری نسبت به دعاوی مطروح علیه ایران فقط در صورتی صلاحیت رسیدگی دارد که دعوا از تاریخ بوجود آمدن آن تا تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] که بیانیه حل و فصل دعاوی بمورد اجرا گذاشته شد، مستمرا" در اختیار اتباع امریکایی قرار داشته باشد.

۲ - معمولاً قرار اعدادی در مواقعی صادر می‌شود که دیوان اعلام صلاحیت کرده باشد زیرا پرونده پس از آن وارد مرحله دوم یعنی بررسی ماهوی می‌شود. حکم در مواقعی صادر می‌شود که دیوان اعلام عدم صلاحیت کرده باشد زیرا این تصمیم تکلیف دعوی را بطور قطعی تعیین می‌کند.

که نسبت به نکات مورد تنازع در این پرونده قابل اعمال است، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

دو موضوعی که باید در [هر] پرونده تابعیت مضاعف به اثبات برسد

۵ - در هر یک از این نوع پرونده‌های تابعیت مضاعف، دو موضوع متمایز باید به اثبات برسد تا دیوان صلاحیت رسیدگی پیدا کند. اول، در مواردی که خواهان، ایرانی و مدعی است که به تابعیت امریکایی درآمده است، خواهان این مسئولیت را به دوش دارد که ثابت کند که اکتساب تابعیت امریکایی قبل از تاریخ ادعایی بروز دعوا رخ داده و اینکه وی حداقل تا تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، که بیانیه حل و فصل دعاوی به مورد اجرا گذاشته شد، کماکان تبعه امریکا باقی مانده است. (۳) دوم، چنانچه کسب چنین تابعیتی ثابت شده باشد، خواهان تبعه مضاعف تلقی می‌گردد و سپس باید ثابت کند که تابعیت غالب و موثر وی تابعیت امریکایی بوده است. (۴) براین اساس، چنانچه موضوع اول، یعنی کسب تابعیت قبل از تاریخهای ذیربطه، به اثبات نرسیده باشد، نیازی نخواهد بود که دیوان وارد موضوع تابعیت غالب و موثر شود.

۶ - برای توضیح نظرات خود در این پرونده، دو موضوع فوق را به ترتیب مورد بحث قرار می‌دهم.

---

۳ - زیرنویس ۱ فوق

۴ - رجوع کنید به: تصمیم شماره ۳۲ - الف ۱۸ - دیوان عمومی مورخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴] منتشره در 5 Iran-U.S. C.T.R. 251.

مدارک لازم برای اثبات کسب تابعیت

۷ - مدارک مستند برای اثبات کسب تابعیت امریکایی، ساده و معمولاً" یا در اختیار اتباع اکتسابی یا بسهولت برای آنها قابل تحصیل است. کیفیت اثبات تابعیت بر حسب چگونگی کسب آن متفاوت است. در ساده‌ترین موارد، مربوط به خواهانهایی که مدعی تابعیت مستمر امریکایی هستند، مدارک مشعر بر تولد فرد در امریکا یا مدرک رسمی تولد فرزند والدین امریکایی در خارج از کشور، که نزد دولت امریکا به ثبت رسیده باشد، برای اثبات تابعیت کافی است مگر آنکه با مدارکی حاکی از ترک تابعیت مزبور مورد معارضه قرار گیرد. در مواردی که تابعیت داوطلبانه اکتساب شده باشد، راههای دیگری برای اثبات آن وجود دارد. دیوان پذیرفته است که کسب تابعیت را می‌توان با تسلیم نسخه‌ای از یکی از مدارک زیر ثابت نمود: (یک) گواهی کسب تابعیت صادره در تاریخ کسب آن، (۵) (دو) گواهی ویژه کسب تابعیت صادره از طرف وزارت دادگستری امریکا، (۶) یا (سه) گذرنامه یا گذرنامه‌های امریکایی معتبر در تاریخهای ذیربط: (۷)

---

۵ - بعنوان مثال رجوع کنید به: قرار اعدادی شماره ۲-۳۱۶-۷۳ مورخ ۲۰ مهرماه ۱۳۶۸ [۱۲ اکتبر ۱۹۸۹] صادره در پرونده ادگار پروتووا و سایرین، و دولت جمهوری اسلامی ایران، و حکم شماره ۲-۱۵۷-۳۱ مورخ نهم فروردین ماه ۱۳۶۲ [۲۹ مارس ۱۹۸۳] صادره در پرونده ناصر اصفهانیان و بانک تجارت، منتشره در 157 Iran-U.S. C.T.R. 2.

۶ - رجوع کنید به: قرار اعدادی شماره ۱-۳۹۱/۳۹۲-۷۷ مورخ ۱۳ مهرماه ۱۳۶۹ [پنجم اکتبر ۱۹۹۰] صادره در پرونده لیلی میترا فلاح لارنس و جمهوری اسلامی ایران.

۷ - رجوع کنید به: بند ۳۳ حکم شماره ۱-۳۸۱-۳۷۵ مورخ ۱۵ تیرماه ۱۳۶۷ [ششم ژوئیه ۱۹۸۸] صادره در پرونده یوترویک کوریوریشن و سایرین، و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در 19 Iran-U.S. C.T.R. 107,118، و حکم جزئی شماره ۲-۲۵۶-۴۱۲ مورخ سوم اسفندماه ۱۳۶۷ [۲۲ فوریه ۱۹۸۹] صادره در پرونده اوگوست فردریک بندیکس، جونیر و سایرین، و دولت جمهوری اسلامی ایران.

۸ - در هر یک از پرونده‌های تابعیت مضاعف، دیوان اثبات تابعیت را به یکی از صور فوق مقرر نموده و در مواردیکه خواهان موفق به ارائه این مدارک نشده، اعلام عدم صلاحیت کرده است. (۸) ضابطه فوق، باتوجه به کیفیت و امکان دسترسی به این مدارک رسمی، معقول بنظر می‌رسد.

۹ - آقای مهاجر - شجاعی نسخه‌هایی از صفحات ذریبط گذرنامه خود را که در تاریخ ۱۵ آبانماه ۱۳۶۰ [ششم نوامبر ۱۹۸۱] صادر شده به دیوان تسلیم کرده است. این تاریخ مدتها بعد از زمان ادعایی بروز دعوا و ضربالاجل صلاحیتی دیوان یعنی ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] می‌باشد. وی در شهادتنامه‌ای اظهار می‌دارد که گذرنامه قبلی او در تاریخ پنجم مردادماه ۱۳۵۵ [۲۷ ژوئیه ۱۹۷۶] صادر شده ولی این اظهار با هیچ مدرک دیگری به اثبات نرسیده است. با آنکه دیوان کرارا" در شرایط مقتضی شهادتنامه را بعنوان تنها مبنای نظر خود درباره واقعیات مورد استناد قرار داده است، (۹) ولی بطور کلی درمورد مدارک رسمی کسب تابعیت امریکا چنین شرایطی وجود ندارد و آقای مهاجر - شجاعی نیز هیچ دلیلی

---

۸ - رجوع کنید به: صفحه ۴ حکم شماره ۲-۴۸۳-۴۱۳ مورخ دهم اسفندماه ۱۳۶۷ [اول مارس ۱۹۸۹] صادره در پرونده لیلی تور و دولت جمهوری اسلامی ایران، صفحه ۳ حکم شماره ۲-۷۷۰-۴۱۴ مورخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۶۷ [سوم مارس ۱۹۸۹] صادره در پرونده لیندا ج معتمد و مهرداد معتمد و دولت جمهوری اسلامی ایران، و بند ۱۱ حکم شماره ۳-۴۴۷-۴۵۰ مورخ ششم آذرماه ۱۳۶۸ [۲۷ نوامبر ۱۹۸۹] صادره در پرونده دیوید هارونیان و دولت جمهوری اسلامی ایران. منظور این نیست که اظهار شود تابعیت را نمی‌توان از طریق سایر مدارک مثبت معتبر مانند نامه دادگاه فدرال منطقه‌ای امریکا که مرجع اعطای تابعیت است، اثبات نمود.

۹ - بعنوان مثال رجوع کنید به: بند ۴۱ حکم شماره ۱-۱۰۱۹۹-۳۲۴ مورخ ۱۱ آبانماه ۱۳۶۶ [دوم نوامبر ۱۹۸۷] صادره در پرونده کنث پی. بیگر و جمهوری اسلامی ایران، منتشره در 92, 103 Iran-U.S. C.T.R. 17، و بندهای ۳۵-۳۲ حکم شماره ۱-۱۰۵۱۴-۳۶ مورخ ۳۱ فروردین ماه ۱۳۶۷ [۲۰ آوریل ۱۹۸۸] صادره در پرونده لئونارد و می ویس دیلی و جمهوری اسلامی ایران، منتشره در 18 Iran-U.S. C.T.R. 232, 242-243.

برای عجز خود در ارائه این اسناد اقامه نکرده است. براین اساس، صلاحیت رسیدگی به ادعای آقای مهاجر - شجاعی باید رد گردد.

۱۰ - برعکس، همسر وی نسخه‌هایی از صفحات ذریبط دو گذرنامه را که یکی در هفتم آذرماه ۱۳۵۶ [۲۸ نوامبر ۱۹۷۷] و دیگری در ۱۱ آذرماه ۱۳۶۱ [دوم دسامبر ۱۹۸۲] صادر شده، تسلیم کرده است. در حکم صحیحاً نظر داده شده است که این گذرنامه‌ها برای اثبات تابعیت امریکایی وی در زمانی که ادعا می‌کند دعوا بروز کرده و نیز در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دلیل کافی می‌باشد و در نتیجه اولین شرط تحقیقات صلاحیتی را ایفا می‌کند. لیکن، این یافته به تنهایی برای احراز صلاحیت دیوان کافی نیست، چون همانطور که در بالا ذکر شد، مضافاً باید ثابت شود که تابعیت امریکایی وی در آن زمانها غالب و موثر بوده است.

#### مدارک لازم برای اثبات تابعیت غالب و موثر

۱۱ - غلبه و نفاذ تابعیت امریکایی فرد دو تابعیتی در درجه اول از همان فعل کسب تابعیت ناشی می‌شود. این امر بدان علت است که فردی که به تابعیت ایالات متحده در می‌آید با ادای سوگند لازم برای کسب تابعیت، قول می‌دهد که به ایالات متحده وفادار بماند و صراحتاً وفاداری به هر کشور دیگری را نفی می‌کند. (۱۰)

---

۱۰ - ماده ۱۴۴۸ در جلد هشتم مجموعه قوانین ایالات متحده (8 U.S.C. - 1448) مقرر می‌دارد کسی که خواستار کسب تابعیت امریکاست باید "در یک دادگاه علنی سوگند یاد کند... (۲) مطلقاً و کاملاً هر نوع پیروی و وفاداری به هر امیر، سلطان، کشور یا قلمرو خارجی را که قبلاً تبعه یا شهروند آن بوده نقض و انکار کند". دیوان در پرونده‌های قبلی اهمیت واقعی سوگند کسب تابعیت را مورد ملاحظه قرار داده است، رجوع کنید به: بند ۳۳ حکم صادره در پرونده پوترویک کورپوریشن مذکور در زیرنویس ۷ فوق، منتشره در 19 Iran-U.S. C.T.R. 118.

بدین ترتیب، تبعه اکتسابی سوگند یاد می‌کند که از لحظه ادای سوگند، وابستگی اصلی وی به ایالات متحده هست و خواهد بود. در مورد فردی که داوطلبانه چنین سوگند خطیری یاد می‌کند این فرض رواست که به آن سوگند وفادار باقی بماند. در واقع، ایالات متحده با تکیه بر این فرض است که حق تابعیت را اعطا می‌کند. فرض فوق‌الذکر، که با ادای سوگند بوجود می‌آید و بر اثر اقامت طولانی در ایالات متحده تقویت می‌شود، باید صحیح شمرده شود مگر اینکه با مدارک مقلع مورد معارضه قرار گیرد، مدارکی که نشان دهد تبعه مورد بحث "بعدا" به طریقی عمل کرده که تابعیت غالب و مؤثر وی حتی با توجه به ادای سوگند، امریکایی نیست. دیوان در تصمیمات قبلی خود به اهمیت سوگند تابعیت (۱۱) توجه کرده و فرض فوق‌الذکر را که به دنبال آن می‌آید پذیرفته است. (۱۲)

۱۲ - فرض فوق‌الذکر که ناشی از فعل کسب تابعیت است، پرفسور جنینگز (اکنون سر رابرت جنینگز قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری) در سخنرانی‌هایی که در سال ۱۹۶۷ در آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه ایراد کرد (و از سخنان پرفسور ایان براونلی نقل نمود) مورد قبول قرار داد:

اگر کسب داوطلبانه تابعیت - که این امر در سایر موارد مشابه موجد حق تابعیت نیز صدق می‌کند - سند قطعی تابعیت برای مقاصد بین‌المللی شناخته نشود، شق دیگر آنست که موجد فرضی تلقی شود، زیرا حداقل باید فرض بر اصالت اینگونه واقعیات موجد حق باشد. براون لی دلایل چنین فرضی را بصورتی صریح و مجاب‌کننده بیان می‌دارد:

در اعمال اصل وابستگی واقعی، دو نکته مؤثر در مقام است:

---

۱۱ - یوتروپیک کوریوریشن، زیرنویس ۷ فوق.

۱۲ - بند ۲۴ حکم شماره ۲-۲۳۷-۲۰۴ مورخ ششم آذرماه ۱۳۶۴ [۲۷ نوامبر ۱۹۸۵] صادره در پرونده لیلا دانش ارفع محمود و جمهوری اسلامی ایران، منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 350, 355 ("کسب داوطلبانه تابعیت واقعی است که فرض متقنی را که به سادگی قابل تعارض نیست ایجاد می‌کند").



در وهله اول، فرض بر اعتبار عمل کسب تابعیت است زیرا فرض بر آنست که اعمال دولتها با حسن نیت انجام می‌گیرد. در وهله دوم، فرض فوق با مفهوم تابعیت بعنوان یک موقعیت اجتماعی، تقویت می‌شود زیرا بر عمل اعطای تابعیت، پس از آنکه به فعل درآمد، نباید بجز در موارد بسیار صریح و روشن، خط بطلان کشیده شود. [Brownlie, Principles of Public International Law, p. 329.]

اگر بخواهیم قانون عملاً "مؤثر باشد" نظر فوق، که مورد احترام من است، ظاهراً غیرقابل ایراد است... فرضی که بر اثر واقعیت حقوقی، مانند کسب داوطلبانه تابعیت بوجود می‌آید، باید در هر دیوانی بعنوان فرضی بسیار متقن که بسادگی قابل تعارض نیست، تلقی گردد. (۱۳)

۱۳ - همینطور، فرضی که از کسب تابعیت ناشی می‌شود، صرفاً یک فرضیه خشک حقوقی نیست، بلکه شناخت یک وابستگی عمیق شخصی در مورد زندگی آینده آن فرد است. این عامل انسانی در عمل کسب تابعیت ایالات متحده، که جوهر اساسی آن است، در مقاله‌ای که اخیراً توسط آقای ا. ام. روزنتال، سردبیر سابق نیویورک تایمز به چاپ رسیده تشریح گردیده است. وی می‌نویسد:

روز جمعه به پارک بتری در نیویورک رفتم تا شاهد مراسم کسب تابعیت (۶۶ نفر) باشم. چارلز بریننت، قاضی ارشد دادگاه منطقه‌ای ایالات متحده در ناحیه جنوبی نیویورک... همه ۶۶ نفر را به ادای سوگند [سوگند وفاداری] فرا خواند. قاضی اظهار داشت که لزومی ندارد کسی مفهوم امریکا را برای این امریکائیان تازه تشریح کند - اینان [به میل خود] این کشور را برگزیده، و اقدامات لازم را برای شرکت در مراسم تعلق [به آن] به عمل آورده‌اند. [وی خطاب به آنها گفت:]... در ایالات متحده، شما از لحظه ادای سوگند به عضویت جامعه ملی در می‌آید و برای همیشه عضو این جامعه تلقی می‌شوید و خود را امریکایی می‌نامید... بیگانگانی از نقاط مختلف جهان همه همدیگر را بوسیدند، ناگهان وجهی گرانبها در میان

خود مشترک دیدند. (۱۴)

شرح زنده روزنتال، مفهوم عبارت حقوقی "تابعیت غالب و موثر" را بعد انسانی می‌بخشد و در قالب این بعد انسانی است که باید فرض ناشی از فعل کسب تابعیت را نگرست.

۱۴ - این فرض که فردی که تابعیت امریکا را کسب می‌کند به طور غالب وابسته به ایالات متحده است، با اقامت ممتد آن فرد در ایالات متحده قویاً تأیید می‌شود. (۱۵) مروری بر تصمیمات دیوان روشن می‌سازد که اثبات کسب تابعیت، در مواردی که با اثبات اقامت طولانی در آن کشور دست بدست هم دهد، اگر دلایل مقنع دیگری هم در دست نباشد، همواره منجر به صدور رأی به تابعیت غالب امریکایی می‌گردد. دیوان حداقل در ۸ پرونده که در آنها فردی متولد در ایران داوطلبانه به تابعیت امریکا در آمده و بیش از ۷ سال در آن کشور زندگی کرده، رأی به تابعیت غالب و موثر امریکایی [وی] داده است. (۱۶) این امر نشانگر این تجربه مشترک انسانی

- ۱۴

Rosenthal, "To Those Who Lament Its Passing...", International Herald Tribune, 16 July 1990.

۱۵ - این بدان معنی نیست که تبعه اکتسابی امریکا حتی اگر در خارج از کشور زندگی کند نمی‌تواند دارای تابعیت غالب و موثر امریکایی باشد. همانطور که دیوان پذیرفته است برخی از اتباع امریکا که در تهران زندگی می‌کردند جذب فرهنگ ایرانی نشدند، از این لحاظ که در منزل به زبان انگلیسی تکلم می‌کردند، فرزندان خود را به مدارس امریکایی تهران می‌فرستادند، عضو باشگاههای امریکایی بودند و... بعنوان مثال رجوع کنید به: بندهای ۱۱، ۱۳، ۳۱ حکم شماره ۴-۳-۴۸۷ مورخ ۱۹ تیرماه ۱۳۶۹ [دهم ژوئیه ۱۹۹۰] صادره در پرونده رضا نمازی و لوزیلن نمازی و جمهوری اسلامی ایران.

۱۶ - بعنوان مثال رجوع کنید به: قرار اعدادی شماره ۳-۳۷۷-۷۴ مورخ دهم آذرماه ۱۳۶۸ [اول دسامبر ۱۹۸۹] صادره در پرونده کاترین آبراهامیان و دولت جمهوری اسلامی ایران، قرار اعدادی شماره ۳-۱۷۰-۷۰ مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۶۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۸۹] صادره در پرونده ناهید همت و دولت جمهوری اسلامی ایران، قرار اعدادی شماره ۳-۸۱۲-۷۲ مورخ نهم تیرماه ۱۳۶۸ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۹] صادره در پرونده ابراهیم رحمان گلشنی و دولت جمهوری اسلامی ایران، پرونده یرونیوا زیرنویس ۵ بالا، حکم شماره ۲-۲۱۱-۳۲ مورخ نهم فروردین ماه ۱۳۶۲ [۲۹ مارس ۱۹۸۳] صادره در پرونده عطالله گلپیرا و دولت جمهوری اسلامی ایران، منتشره در 2 Iran-U.S. C.T.R. 171، قرار اعدادی شماره ۳-۱۹۳-۶۸ مورخ دوم تیرماه ۱۳۶۷ [۲۳ ژوئن ۱۹۸۸] صادره در پرونده رضا سعید مالک و دولت جمهوری اسلامی ایران، منتشره در 19 Iran-U.S. C.T.R. 48، پرونده اصفهانیان زیرنویس ۵ بالا، (دنباله زیرنویس در صفحه بعد)

است که کسانی که تصمیم می‌گیرند تابعیت جدیدی کسب کنند و در کشوری رحل اقامت بیافکنند، سعی می‌کنند که در جامعه و فرهنگ آن کشور جذب شوند، در آنجا پیوندهای خانوادگی و شغلی ایجاد کنند، در فعالیتهای محیط اطراف خود شرکت جویند و صور دیگری از وابستگی بوجود آورند. همانطور که دیوان دادگستری بین‌المللی در پرونده نوته بام اشعار داشت، تابعیت "پیوندی است حقوقی بر مبنای واقعیت و وابستگی اجتماعی، ارتباط اصیل وجود، علائق و احساس، همراه با حقوق و تعهدات متقابل." (۱۷) همچنین این دیوان به پیروی از سرمشق دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کرده است که در تعیین تابعیت غالب و موثر "کلیه عوامل ذیربط منجمله محل معمول اقامت، کانون منافع، علقه‌های خانوادگی، شرکت در زندگی اجتماعی و سایر قرائن وابستگی را مد نظر قرار خواهد داد." (۱۸)

---

(ادامه زیرنویس از صفحه قبل)  
و پرونده نمازی زیرنویس ۱۵ بالا.  
در مورد کسانی که داوطلبانه تابعیت آمریکا را کسب کرده‌اند فقط در پرونده‌هایی تابعیت غالب و موثر خواهان آمریکایی شناخته نشد که وی در طول مدت ذیربط در آمریکا اقامت نداشته است، رجوع کنید به پرونده بندیکس زیرنویس ۷ بالا، یا خواهان عامدا کسب تابعیت آمریکا را برای ادامه استفاده از تابعیت ایرانی به تعویق انداخته است، رجوع کنید به: پرونده محمود زیرنویس ۱۲ بالا، یا به صراحت ثابت شده که خواهان قصد مراجعت و اقامت دائم در ایران را داشته و فقط بعد از وقوع انقلاب ایران درخواست تابعیت آمریکا را کرده است. رجوع کنید به حکم شماره ۳-۳۰۹-۴۸۹ مورخ ۱۹ شهریورماه ۱۳۶۹ [دهم سپتامبر ۱۹۹۰] صادره در پرونده عباس غفاری و شرکت ملی نفت ایران و سایرین. هیچکدام از شرایط فوق در این پرونده کوچکترین مصداقی ندارند.

۱۷ - پرونده نوته بام (لیختن اشتاین علیه گواتمالا) ،  
1955 I.C.J. 4, 23 (Judgment of 6 April). See also Griffin, The Right to a Single Nationality, 40 Temple Law Quarterly 57, 59 (1966)  
(تشریح مفهوم جدید علقه تابعیت بعنوان یک "واقعیت اجتماعی".)

۱۸ - پرونده الف ۱۸ زیرنویس ۴ بالا، صفحه ۲۵، 5 Iran-U.S. C.T.R 265 .  
همچنین رجوع کنید به: پرونده مرژه (آمریکا علیه ایتالیا) ،  
(1955) 14 R. Int'l Arb. Awards 236,247 ("تابعیت ایالات متحده در مواردی غالب خواهد بود که اقامتگاه عادی خانواده در آمریکا بوده و علائق و زندگی حرفه‌ای رئیس خانواده بطور دائم در آمریکا مستقر شده باشد"). قاضی پرویز انصاری در بندهای ۳ و ۴ نظرهای مخالف خود با قرار اعدادی شماره ۳-۴۷/۴۶/۴۵/۴۴-۱۷۱ مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۶۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۸۹] صادره در پرونده مارجوری سوزان ابراهیمی و دولت جمهوری اسلامی ایران، و نیز رضا نمازی و لوزیلن نمازی و جمهوری اسلامی ایران زیرنویس ۱۶ بالا، همین نظر را ضمن تأیید نقل کرده است.

۱۵ - اکنون به اجمال به بررسی انواع مدارکی که دیوان به عنوان ادله کافی برای اثبات تابعیت غالب و موثر مورد قبول قرار داده است می‌پردازم. مدارک اثبات کسب تابعیت که عامل اصلی است، در بند ۷ بالا مورد بحث قرار گرفت. مدرک اقامت در امریکا معمولاً "بوسیله شهادتنامه، که با نوعی مدرک مستند حاکی از اقامت واقعی در آن کشور مورد تأیید قرار گرفته باشد، ارائه می‌شود. علاوه بر اثبات تابعیت غالب و موثر امریکایی بطور علی‌الظاهر که به ترتیب فوق انجام می‌گیرد، در اغلب موارد یک یا چند شهادتنامه دیگر حاوی شرح برخی فعالیت‌های زندگی خواهان ارائه می‌شود تا وابستگی بیشتر وی به ایالات متحده کاملاً روشن شود.

۱۶ - در برخی از پرونده‌های تابعیت مضاعف، خواهانها مدارک مستندی در تأیید پاره‌ای از واقعیات مشروح در شهادتنامه‌های خود ارائه کرده‌اند حال آنکه در موارد دیگری اینکار انجام نگرفته است. دیوان حتی در مواردی که مدارک مستندی در تأیید شهادتنامه وجود نداشته، نظرات خود در مورد واقعیات را بر شهادتنامه مبتنی کرده است. (۱۹) به ویژه در مواردی که ایران مدارک معارضی که صدق گفتار شهادت دهنده را متزلزل کند ارائه نکرده باشد، شهادتنامه وی مورد قبول قرار گرفته است.

۱۷ - در قراردادهای اعدادی قبلی دیوان، اهمیت عدم تسلیم مدارک معارض از طرف ایران مورد تأکید واقع شده است. به عنوان مثال در پرونده پروتیوا اشعار شده است که دیوان:

ملاحظه می‌کند که فعالیت‌هایی که خواهانها در تأیید تابعیت امریکایی خود در فوق توصیف کرده‌اند، بطور کلی مورد ایراد واقع نشده است... همچنین مدرکی وجود ندارد که با واقعیات مربوط به رفتار خواهانها، مانند علائق اقتصادی، زندگی اجتماعی و سیاسی و خانوادگی از جمله محل سکونت آنها مابینت داشته باشد، که این امر تابعیت غالب و موثر امریکایی آنها را، به ویژه در دوره ذیربط از موقع بروز ادعا تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، تأیید می‌کند. به این دلایل، دیوان نتیجه

می‌گیرد که ادعای خواهانها حائز شرایط صلاحیتی مندرج در بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشد. (۲۰)

و نیز در پرونده مالک، اشعار شده است که دیوان:

ملاحظه می‌نماید که خواننده به ادعاهای خواهان راجع به رویدادهای مهم زندگی و مدارک منضم به اظهاریه وی به طور جدی ایراد نگرفته است. نظر به اینکه در این ادعاها تناقضاتی دیده نمی‌شود و باتوجه به اینکه برای تردید در صحت ادعاهای مزبور دلیلی در پرونده حاضر نیست، لذا دیوان بر این نظر است که می‌توان به آن ادعاها اعتماد کرد. (۲۱)

۱۸ - تجزیه و تحلیل اصولی را که دیوان در پرونده‌های قبلی بنیانگذاری کرده به همین جا خاتمه داده، به اعمال آن اصول نسبت به مدارکی که درباره تابعیت غالب و موثر خانم مهاجر - شجاعی در دست است می‌پردازم. همچنانکه دیوان صحیحاً نظر داد، وی در تاریخی قبل از هفتم آذرماه ۱۳۵۶ [۲۸ نوامبر ۱۹۷۷] که تاریخ اولین گذرنامه تسلیمی وی می‌باشد، داوطلبانه تابعیت ایالات متحده را کسب کرد. طبق قوانین آمریکا، نامبرده قبل از درخواست کسب تابعیت، می‌بایست حداقل ۵ سال در آمریکا مستمراً اقامت کرده باشد. (۲۲) در نتیجه، خود فعل کسب تابعیت دلیل آنست که وی حداقل از نوامبر ۱۹۷۲ در آمریکا اقامت داشته است. گواهینامه رسمی تولد دختر وی، دینه، مورخ ۱۱ شهریورماه ۱۳۵۱ [دوم سپتامبر ۱۹۷۲] نیز این امر را ثابت می‌کند زیرا در آن نوشته شده که مادر نوزاد در آن تاریخ مقیم

---

۲۰ - پرونده پروتویوا بند ۱۷، زیرنویس ۵ بالا.

۲۱ - رضا مالک و دولت جمهوری اسلامی ایران زیرنویس ۱۶ بالا بند ۲۳، منتشره در 19 Iran-U.S. C.T.R. 54. همچنین رجوع کنید به: قرار اعدادی شماره ۲-۱۷۸-۷۶ مورخ دوم بهمن‌ماه ۱۳۶۸ [۲۲ ژانویه ۱۹۹۰] صادره در پرونده فیث خسروشاهی و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران.

۲۲ - 8 U.S.C. - 1427(a)

تروی واقع در ایالت میشیگان بوده است. بدینصورت، مدارک مثبت اقامت کاملاً منطبق با اظهارات مندرج در شهادتنامه همسر وی ولی مستقل از آن مبنی بر اینکه خانم مهاجر - شجاعی از سال ۱۹۶۹ مقیم امریکا بوده است وجود دارد. بنابراین، نظر اکثریت که در حکم اعلام شده مدارک موید تابعیت غالب و موثر امریکایی خانم مهاجر - شجاعی "تقریباً" منحصر به شهادتنامه‌هایی می‌شود که همسرش "تسلیم کرده، نادرست است. بند ۹ حکم.

۱۹ - ایران هیچ مدرکی در تعارض با این موضوع ارائه نکرده است. با آنکه در لایحه توجیهی وکیل ایران استدلال می‌شود که شهادتنامه مربوط به شرح اقامت و زندگی خانوادگی خانم مهاجر - شجاعی در امریکا، فاقد دلایل موید و عاری از هر نوع وزن و اعتبار است، ایران هیچ مدرکی ارائه یا حتی هیچ ادعایی مطرح نمی‌کند که نامبرده بعد از ۱۹۶۹ در ایران میزیسته و نه در میشیگان. ایران در لوایح خود در این پرونده اذعان می‌کند با استفاده از سوابقی که در اختیار دارد می‌تواند مشخص کند که آیا خانم مهاجر - شجاعی و فرزندان وی در زمانی که در دادخواست خود مدعی اقامت در ایالات متحده بوده، در ایران زندگی می‌کرده‌اند یا خیر. به این دلیل، به عنوان مثال ایران چهار بار درخواست کرد که مهلت ثبت مدارک وی تمدید شود زیرا نیاز به وقت بیشتری برای جستجوی مدارک از جمله "ادله و مدارکی که... در سازمانهای مختلف بایگانی شده" (۲۳) و "سوابق، مدارک، مکاتبات و مدارک کنسولی" (۲۴) دارد. از تاریخ ۱۱ مردادماه ۱۳۶۳ [دوم اوت ۱۹۸۴] که برای اولین بار به ایران دستور داده شد که "کلیه مدارکی را که مایلست دیوان در موضوع تابعیت [خانم مهاجر - شجاعی] مورد رسیدگی قرار دهد" ثبت کند تا تاریخ

---

۲۳ - نامه درخواست تمدید مهلت که نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران در ۲۹ مهرماه ۱۳۶۵ [۲۱ اکتبر ۱۹۸۶] ثبت کرده است.

۲۴ - "درخواست تمدید مهلت" که نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران در ششم اسفندماه ۱۳۶۳ [۲۵ فوریه ۱۹۸۵] ثبت کرده است.

۲۰ آذرماه ۱۳۶۸ [۱۱ دسامبر ۱۹۸۹] که سرانجام "لایحه توجیهی و مدارک" خود را به ثبت رساند، ایران بیش از ۵ سال فرصت داشت که مدارک خود را تسلیم کند. با این وصف، ایران هیچ مدرکی ارائه نداده که نشان دهد خانم مهاجر - شجاعی، فرزندان یا همسر وی بعد از سال ۱۹۶۹، در ایران زندگی می‌کرده‌اند یا با این موضوع ظاهراً ثابت شده که محل معمول اقامت و علائق خانوادگی وی از سال ۱۹۶۹ به بعد در ایالات متحده بوده است در تعارض باشد.

۲۰ - همانطور که در بالا ذکر شد، محل اقامت از عوامل مهم تعیین تابعیت غالب و موثر در هر یک از پرونده‌های دو تابعیتی می‌باشد. براین اساس، اقامت در امریکا تقریباً بهمان مدتی که خانم مهاجر - شجاعی در آن کشور بسر برده است، مبنای اساسی احراز صلاحیت دیوان در پرونده‌های کاترین آبراهامیان و دولت جمهوری اسلامی ایران قرار اعدادی شماره ۳-۳۷۷-۷۴ مورخ دهم آذرماه ۱۳۶۸ [اول دسامبر ۱۹۸۹] (اقامت در امریکا از ۱۹۷۹ ببعده)، همت زیرنویس ۱۶ بالا (اقامت در امریکا از ۱۹۶۹ ببعده) و گلشنی زیرنویس ۱۶ بالا (اقامت در امریکا از ۱۹۶۹ ببعده) بوده است.

۲۱ - از مدارک موجود چنین برمی‌آید که خانم مهاجر - شجاعی خانه‌دار بوده و فعالیت اصلی وی در حول و حوش کانون خانواده و تربیت فرزندانش دور می‌زده است. در تعدادی از قرارهای اعدادی، محل تولد و تربیت فرزندان خواهان حائز اهمیت تلقی شده است. بعنوان مثال رجوع کنید به: پرونده‌های گلشنی زیرنویس ۱۶ بالا، صفحه ۷، گلپیرا زیرنویس ۱۶ بالا، صفحه ۵ منتشره در Iran-U.S. 2 C.T.R 174، پرونده پروتیوا زیرنویس ۵ بالا، و اصفهانیان زیرنویس ۵ بالا. گواهیهای تولد که بعنوان مدرک تسلیم شده‌اند نشان می‌دهد که هر دو فرزند خانم مهاجر - شجاعی در امریکا متولد شده‌اند. دختر کوچک [خانواده] تمام مدت عمر خود و دختر بزرگتر نیز بجز سه تا چهار سالگی را در ایالات متحده

گذرانیده‌اند. تصمیم خانم مهاجر - شجاعی و همسرش در تربیت فرزندانشان در ایالات متحده گواه بر آن است که وی علاقمند بوده در جامعه امریکا جذب گردد.

۲۲ - در چندین قرار اعدادی ذکر شده است که خرید منزل در ایالات متحده نشانه وابستگی به آن کشور می‌باشد. رجوع کنید به: پرونده‌های گلشنی زیرنوس ۱۶ بالا، گلپیرا زیرنوس ۱۶ بالا، خسروشاهی زیرنوس ۲۱ بالا، و اصفهانیان زیرنوس ۵ بالا. در شهادتنامه موعید ادعای خانم مهاجر - شجاعی اشعار شده است که وی و همسرش برای اولین بار در سال ۱۹۷۰ خانه‌ای خریدند و پس از فروش آن در سال ۱۹۷۸ خانه دیگری در ایالات متحده خریداری کردند. برخی از خواهانها اظهار مندرج در شهادتنامه خود دأثر به مالکیت خانه را با مدارک مثبتة تأیید کرده‌اند ولی برخی دیگر صرفاً به اظهار این مطلب به قید سوگند در شهادتنامه خود اکتفا نموده‌اند. دیوان در چندین پرونده تابعیت مضاعف مالکیت خانه را تنها به استناد قید در شهادتنامه مورد توجه قرار داده است. رجوع کنید به: پرونده‌های گلپیرا زیرنوس ۱۶ بالا، مالک زیرنوس ۱۶ بالا، و همت زیرنوس ۱۶ بالا.

۲۳ - پرداخت مالیات در امریکا عاملی است که دیوان در چندین پرونده تابعیت مضاعف آن را مورد توجه قرار داده است. در پرونده حاضر شهادتنامه موعید دعوی خانم مهاجر - شجاعی حاکی از اینست که وی و همسرش از بدو زندگی در ایالات متحده مالیات آن کشور را پرداخت کرده‌اند. برخلاف برخی دیگر از خواهانها که نسخ اظهاریه‌های مالیاتی را ضمیمه شهادتنامه کرده‌اند چنین نسخه‌هایی ضمیمه شهادتنامه آنها نیست. لیکن باید در نظر داشت که دیوان در تعدادی از پرونده‌های دیگر صرفاً بر اساس شهادتنامه موعیدی مالیاتی، پرداخت مالیات را حائز اهمیت دانسته است. رجوع کنید به: پرونده‌های پروتیوا زیرنوس ۵ بالا، گلپیرا زیرنوس ۱۶ بالا، و مالک زیرنوس ۱۶ بالا.



۲۴ - شرکت خواهان در انتخابات در ایالات متحده، بیان رسای تابعیت است. بر آن اساس دیوان در چندین پرونده تابعیت مضاعف، شرکت در انتخابات را یکی از دلایل موید نظر خود در اعلام تابعیت غالب و موثر امریکایی عنوان کرده است. رجوع کنید به: پرونده‌های گلشنی زیرنویس ۱۶ بالا ، خسروشاهی زیرنویس ۲۱ بالا ، پروتیوا زیرنویس ۵ بالا ، کلیرا زیرنویس ۱۶ بالا ، اصفهانیان زیرنویس ۵ بالا ، و ابراهیمی زیرنویس ۱۸ بالا . در چهار پرونده‌ای که دیوان به شرکت در انتخابات امریکا اشاره کرده، خواهانها اظهارات مندرج در شهادتنامه را با ارائه مدارک مستند از مراجع رسمی تأیید کرده‌اند، ولی در تعداد مشابهی از پرونده‌ها نیز دیوان شرکت در انتخابات را صرفاً "براساس اظهار خواهان به قید سوگند - مانند اظهار خواهان در پرونده حاضر - مورد توجه قرار داده است.

نتیجه‌گیری در مورد خانم مهاجر - شجاعی

۲۵ - بطور خلاصه، مدارک فراوانی دال بر تابعیت غالب و موثر امریکایی خانم مهاجر - شجاعی موجود است. نه تنها فرض ناشی از سوگند (کسب) تابعیت وجود دارد، بلکه دلایلی نیز هست که علی‌الظاهر ثابت می‌کند که وی از سال ۱۹۶۹ به بعد ساکن امریکا بوده و مدارک مثبتہ انکار ناپذیری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد نامبرده حداقل از سال ۱۹۷۲ در امریکا اقامت داشته است. ایران پنج سال فرصت داشت تا در سوابقی که در اختیار دارد جستجو کند، لیکن هیچ مدرک معارضی تسلیم نکرده حاکی از اینکه خانم مهاجر - شجاعی در طول مدتی که مدعی سکونت در ایالات متحده بوده، در واقع در ایران سکونت داشته است. علاوه بر آن، برای نشان دادن پیوندهای وی به ایالات متحده، ادله‌ای به شرح زیر در شهادتنامه مشهود است: (۱) وی و همسرش در امریکا مالک خانه بوده‌اند، (۲) وی فرزندان خود را در امریکا تربیت کرد، (۳) در ایالات متحده مالیات پرداخت و (۴) در انتخابات آن کشور شرکت

نمود، که کلیه اینها عواملی است که دیوان در سایر پرونده‌ها به عنوان دلیل تابعیت غالب و موثر آمریکایی خواهان ذکر کرده است. با آنکه خواهان هیچ مدرک مثبت‌ای در تأیید اظهارات با قید سوگند خود در شهادتنامه در مورد چهار عامل اخیر ارائه نکرده، لیکن دیوان در تصمیمات صادره خود در سایر پرونده‌ها نظر داده است که صرفاً به استناد اظهار در شهادتنامه، عوامل فوق وجود داشته است. در مواردی که شهادتنامه‌ای با ادله دیگری تأیید شده باشد، کار دیوان در پرونده‌های تابعیت مضاعف تسهیل می‌گردد، لیکن بررسی تصمیمات قبلی [دیوان] نشان می‌دهد که دیوان، در مواردی مانند مورد پرونده حاضر که دلیلی برای تردید در صدق مندرجات شهادتنامه وجود نداشته، در قبول آن مندرجات به تنهایی، تردیدی به خود راه نداده است. این واقعیت که خانم مهاجر - شجاعی می‌توانست مدارک مثبت بیشتری ارائه نماید، دلیلی برای نادیده گرفتن ادله تسلیم شده، چه بصورت مدارک مستند و چه بصورت شهادتنامه، نمی‌باشد.

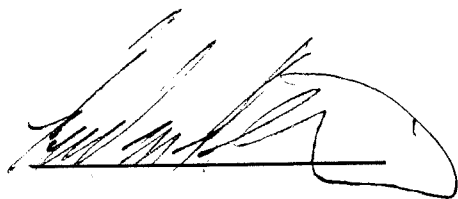
۲۶ - حکم اکثریت به تفصیل این مطلب بدیهی را اندرز می‌دهد که بار اثبات ادعا بعهده مدعیان است. پس از آنکه بدینصورت خود را با هیئت عبارات کلی، که جای بحث ندارد، آراست، موضوعات اساسی را با دو جمله که یکی نادرست و دیگری نتیجه‌گیری نهایی است فیصله می‌دهد:

لیکن چون ادله‌ای که شهناز مهاجر - شجاعی بر آن اساس سعی دارد غلبه تابعیت آمریکایی خود را محرز نماید، تقریباً منحصر به شهادتنامه‌هایی می‌شود که همسرش یعنی خواهان دیگر این پرونده تسلیم کرده، ادله مطروح در محضر دیوان، همچنان تأیید نشده بموجب مدارک مثبت باقی می‌ماند. تحت این شرایط، دیوان چنین نتیجه‌گیری می‌کند که شهناز مهاجر - شجاعی نتوانسته است ثابت کند که تابعیت آمریکایی وی تابعیت غالب و موثر می‌باشد و بنابراین اهلیت طرح دعوا در محضر این دیوان را ندارد.

بند ۹ حکم. با یادآوری اینکه قواعد دیوان الزام دارد که "دیوان داوری دلایلی را

که مبنای صدور حکم بوده ذکر" نماید (بند ۳ ماده ۳۲) متأسفانه باید بگویم که راعی اکثریت دلایلی برای مواردی، از جمله موارد زیر، ذکر نکرده است. (۱) چرا فرض وابستگی دائمی به ایالات متحده را که ناشی از سوگند کسب تابعیت است نادیده گرفته، یا آنکه این فرض چگونه مورد معارضه واقع شده است، (۲) چرا حتی ذکری از گواهی تولد دختر خانم مهاجر - شجاعی به میان نیاورده که در آن "محل اقامت" خانم مهاجر - شجاعی در سال ۱۹۷۲، ایالات متحده ذکر شده و براین اساس به منزله مدرک مستند و رسمی در تأیید شهادتنامه همسرش راجع به اقامت طولانی وی در ایالات متحده می‌باشد، (۳) چرا راجع به قصور خواننده در ارائه مدرک معارضی بحث نمی‌کند. امیدوارم این پرونده موردی استثنایی باشد و در آینده این شعبه از ضوابطی که بر اثر رویه دیرین و تثبیت شده دیوان بوجود آمده، پیروی کند، همانطور که در پرونده‌های لیلی میترا فلاح لارنس که آنها نیز امروز به ثبت رسیدند، عمل کرده است، (۲۵) لیکن این امر برای خانم مهاجر - شجاعی، که باید رنج نتیجه‌گیری نادرست و غیر مستدل اکثریت را تحمل کند، تسلی خاطر نیست.

لاسه، به تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۶۹ برابر با پنجم اکتبر ۱۹۹۰



هوارد ام. هولتزمن